



مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی با تأکید بر سیاست جنایی ایران

*سیدحسین حسینی *طاهره محمود سلطانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۵

چکیده

امروزه جای هیچ شک و تردیدی نیست که هیچ سیاست جنایی چه در عرصه تدوین و برنامه‌ریزی و چه در مرحله‌ی اجراء بدون مشارکت مردم و جامعه مدنی قابل اجرا و اعمال نیست. حتی بهترین برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی بدون روی خوش نشان دادن مردم و بکارگیری جامعه مدنی، تنها کاغذ پاره‌هایی می‌مانند که هیچگاه در مقام عمل به منصفه ظهور نخواهند پیوست. این امر در خصوص بزه‌دیدگان که خود از بطن جامعه مدنی و مردم هستند نیز کاملاً صادق است. به عبارت دیگر حمایت از بزه‌دیدگان بدون توسل به مشارکت عامه مردم و جامعه مدنی به هیچ روی امکان‌پذیر نخواهد بود. هدف مهم مداخله جامعه مدنی در سیاست جنایی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه‌ی پیشگیری و پاسخ دهی - مجازات - و بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران است. در واقع تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد. از آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله‌ی تفکیک ناپذیرند و همه‌ی دست‌اندرکاران آن را درک می‌کنند، از این رو سیاست جنایی با مشارکت جامعه مدنی بر آن است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید.

سازمان‌های جامعه‌ی مدنی شامل سازمان‌های داوطلب غیر دولتی یا تشکل‌های دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند دربرگیرنده‌ی اصناف، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های مردمی و تعداد زیاد دیگری از عناصر غیردولتی باشد که ممکن است در فعالیت‌های خدماتی، حمایتی و غیره مشغول باشند. در عین حال از آنجا که در چارچوب خاص سیاست جنایی، جامعه‌ی مدنی جزئی از هیأت اجتماع است که در پاسخ‌های آن به پدیده‌ی مجرمانه - عمدتاً در حوزه‌ی انحراف؛ سهیم می‌شود، نهادهایی همانند محیط مدرسه، محیط مذهبی و ... را هم باید به این مفهوم از جامعه‌ی مدنی افزود؛ نگارنده در این تحقیق به روش تحلیلی - توصیفی بصورت کتابخانه‌ای از طریق فیش‌برداری به تحلیل مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی پرداخته است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد، سیاست جنایی مشارکتی

*دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) shosseini@um.ac.ir

*دانشجوی دوره دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

مقدمه

جامعه مدنی به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که به طور غیرانتفاعی و بدون وابستگی تشکیلاتی به دولت‌ها و فارغ از دخالت قدرت سیاسی فعالیت می‌کند و مجموعه‌ای از نهادها؛ موسسات، انجمن‌ها، تشکل‌های خصوصی و مدنی را در برمی‌گیرد؛ موضوع فعالیت سازمان‌های غیر دولتی، کارهای بشر دوستانه، امور زنان، آسیب‌دیدگان اجتماعی، بهداشت و درمان و توانبخشی و حمایت از محیط زیست می‌باشد و هدف جمع‌آوری، ارزیابی و انتقال اطلاعات، ارائه پیشنهاد به دولت، آموزش، پژوهش و انجام مطالعات، اقدامات حمایتی و کاهش آسیب‌های اجتماعی است.

سیاست جنایی به مجموعه اقدامات سرکوبگرانه کیفری و تدابیر پیشگیرانه جنایی اطلاق می‌گردد. بنابراین سیاست جنایی به حقوق کیفری و جرم‌شناسی محدود نشده است و خود رشته مطالعات نوینی می‌باشد که با تجربه و تحلیل پدیده مجرمانه و نیز اجرای یک استراتژی، به منظور پاسخ به موقعیت‌های بزهکاری در ارتباط است. سیاست جنایی در دنیا ابتدائاً، در انحصار دولت بود و دولت متولی همه چیز بود اما به خاطر مسائل مالی، اقتصادی و گسترده بودن وظایف دولت و نیز آنکه دولت کارایی سابق را نداشت، و از سوی دیگر به خاطر اهمیت پیدا کردن مفهوم جامعه مدنی در عرصه سیاست‌گذاری عمومی، لزوم واگذاری به سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی محسوس‌تر شد.

بنابراین، دولت‌ها مشکلات ناشی از قبول مسئولیت‌های عمومی و عدم برآورده کردن خواسته‌های واقعی و برحق مردم را درک کرده‌اند و راه‌حل رفع این تنگنا را واگذاری به امور به سطوح محلی و به ویژه سازمان‌های غیردولتی دانسته‌اند و از طرف دیگر نیز سازمان‌های غیردولتی با رشد کمی و کیفی خود در چند دهه اخیر و با دارا بودن ویژگی‌هایی چون بی‌طرفی، انعطاف‌پذیری، برخورداری از انواع تخصص‌ها و دانش‌ها و مهارت‌ها، غیرانتفاعی بودن، مستقل بودن، مردمی بودن، داوطلبانه بودن،

داشتن نقش مشاوره‌ای، کاربرد روش‌های مؤثر و کارآمد در انجام امور و ... این توان و باور را در خود یافته‌اند که به یاری، دولت بشتابند و با کمک همدیگر به حل چالش‌های پیچیده جامعه و امور عمومی بپردازند.

در این خصوص همایش‌هایی در سطح منطقه‌ای و جهانی از جمله فرانسه صورت گرفت. در کشور فرانسه، سازمان‌های غیردولتی بسیاری وجود دارد که در مقوله دفاع از کودکان و زنان آسیب‌دیده، درمان و پیشگیری، دفاع از حقوق بشر از جمله حق سلامت فعالیت می‌کنند. در سال ۱۹۷۸ کمیته پیشگیری از خشونت و بزهکاری تأسیس شد و در سال ۱۹۸۳ شورای ملی پیشگیری از بزهکاری در استان‌ها و شهرستان‌ها براساس اصل مشارکت مردم، نمایندگان انجمن‌های محلی و مقامات محلی ایجاد گردید و هدف تشخیص عالم بزهکاری و انحراف و نحوه برخورد با آن بود. در سال ۱۹۹۸ قرارداد‌های محلی امنیت تعریف و اجرایی شد و در این راستا نهاد‌های رسمی یا نهاد‌های مردمی از قبیل شورای شهر و انجمن‌های محلی همکاری نموده و براساس این قرارداد ابتدا نیازهای هر منطقه، تعریف شد و سپس انجام اقداماتی از قبیل ارتقای پلیس امنیتی، تشکیل کلاس‌های فوق‌العاده، مکان استماع مشکلات والدین و حمایت از آن‌ها و نهاد‌های کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان تشکیل گردید.

در سطح نیروی پلیس نیز، پلیس محلی ایجاد گردید که دارای محدودیت خاص می‌باشد و با ساکنان محله‌ها ارتباط نزدیک برقرار نموده و از نیازهای آنان در زمینه امنیت مطلع می‌گردد. نهایتاً در سال ۱۹۹۸ «خانه عدالت و حقوق» تأسیس گردید. در این خانه‌ها، وکلا، کارشناسان دادگستری و انجمن‌های محلی و مردمی حضور دارند و هدف آن‌ها حل و فصل دوستانه اختلافات و پیشگیری از بزهکاری و کمک به بزه‌دیدگان می‌باشد.

در ایران، در قانون برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) موضوع حمایت از سازمان‌های غیردولتی، در مواد ۳، ۲۷، ۷، ۳۶، ۷۹، ۷۶، ۱۰۴، ۹۹، ۱۵، ۸ مطرح گردیده است و در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه نیز مجدداً به آن اشاره شده است. بنابراین می‌توان

۱۸۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

قانون برنامه سوم توسعه را که متأثر از تحولات اجتماعی و سیاسی دهه‌ی اخیر است یکی از شفاف‌ترین و کارگشایترین قوانین موجود کشور در خصوص تعیین نحوه تعامل با تشکل‌های غیردولتی ارزیابی نمود. و در سال ۱۳۸۶، «معاونت امور سازمان‌های مردم نهاد» تأسیس گردید و هدف آن تقویت حضور مردم در قالب سازمان‌های مردم نهاد در باب امور اجتماعی، امور بشر دوستانه، امور زنان، آسیب‌دیدگان اجتماعی است.

از نوآوری‌های مهم قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۹۴/۳/۱۴، توجه به سازمان‌های مردم نهاد است، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحیه صورت گرفته در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ از این قرار است: «سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دادرای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند...»

این نقش برای سازمان‌های مردم نهاد در راستای سیاست جنایی مشارکتی پیش‌بینی شده است؛ سیاست و نگرشی که بر مشارکت و حضور جامعه‌ی مدنی در عرصه‌های مختلف فرآیند کیفری بنا شده است. بر مبنای همین سیاست، سازمان‌های مردم نهاد به عنوان جلوه‌ی بارز جامعه‌ی مدنی، نقش جدیدی برای مشارکت خود در قلمرو دادرسی کیفری یافته‌اند. با مطالعه‌ی ماده ۶۶ معلوم می‌گردد که موضوع فعالیت سازمان‌های مذکور در این ماده، بزه‌دیده می‌باشد و این سازمان‌ها می‌بایست در موضع حمایت از آنان برآیند.

مبحث اول: مفاهیم

در این مبحث به تبیین و تشریح مفاهیم مرتبط با مقاله خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مفهوم سیاست جنایی

سیاست جنایی طی دو دهه گذشته به یک رشته مطالعاتی مستقل در علوم جنایی تبدیل شده است. طی این فرآیند، طیف گسترده‌ای از اندیشمندان حوزه علوم جنایی تعاریف‌های متفاوتی از این اصطلاح نوپای علوم جنایی به دست داده‌اند. نخستین بار دلماس مارتی، سیاست جنایی را به مثابه رشته‌ای مستقل در علوم جنایی عینیت داد و در واقع، می‌توان علم سیاست جنایی را میوه اندیشه دلماس مارتی دانست. علیرغم تعدد تعاریف سیاست جنایی، آن‌ها را می‌توان از حیث قلمرو تعریف به تعاریف مضیق و تعاریف موسع تقسیم‌بندی کرد.

بند اول: مفهوم مضیق سیاست جنایی

در این دسته از تعاریف که در واقع تعاریف اولیه سیاست جنایی محسوب می‌شدند، سیاست جنایی مترادف با سیاست کیفری به کار گرفته می‌شد و سیاست جنایی در این تعبیر، به سیاست «برخورد با جرم و بزهکاری پس از ارتکاب آن»، محدود می‌شد. مثلاً فون لیست^۱ آلمانی، سیاست جنایی را «بکارگیری حقوق کیفری از نقطه نظر مبارزه موثر علیه بزه» می‌دانست. مرل و ویتو^۲ نیز سیاست جنایی را به عنوان «مجموعه روش‌های قابل پیشنهاد به قانونگذار، یا عملاً به کار گرفته شده توسط او در زمان و در سرزمینی خاص، به منظور مبارزه با بزهکاری» تعریف می‌کردند. استفانی، لواسور و بولک^۳ هم معتقد بودند که سیاست جنایی عبارتست از: «سازمان‌دهی مبارزه با بزهکاری پیشاپیش تعریف شده؛ مبارزه‌ای در اشکال مختلف و با بکارگیری وسایل گوناگون و هدایت شده به سوی اهداف معین^۴».

۱. Vonlist

۲. Merl and Vito

۳. Stefani, Levasseur and Bouloc

۴. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، انتشارات سمت، ۱۳۹۳، ص ۲۳.

۱۸۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

هر چند که در تعاریف اولیه سیاست جنایی، رویکرد انحصاری، مبارزه با جرم و کیفر بزه‌کاران و به بیان دیگر سیاست کیفری بوده است، اما به تدریج در کنار مقابله و جزادهی به بزه‌کار، بحث پیشگیری از بزه نیز در میان جرم‌شناسان قوت پیدا کرد و سیاست جنایی از «سیاست کیفر» به «سیاست کیفر و پیشگیری» تحول پیدا کرد. به عنوان مثال از دیدگاه گریسپینی، سیاست جنایی عبارت است از: «دانشی که فعالیت‌های را که دولت باید- به منظور پیشگیری و سرکوبی جرایم- بسط دهد، بررسی می‌کند». کلین اسکراد نیز سیاست جنایی را عبارت از شناخت وسایلی می‌داند که مقنن به منظور پیشگیری از بزه و حمایت از حقوق طبیعی شهروندان، منطبق با گرایش خاص هر دولت، در دسترس دارد.

فون لیست در تعریفی دیگر سیاست جنایی را یک رشته مطالعاتی می‌داند که بر حسب داده‌ها و یافته‌های فلسفی و عملی (از جمله یافته‌های جرم‌شناختی) و با توجه به اوضاع و احوال تاریخی، سعی در تدوین و ایجاد آموزه‌های سرکوبگرانه (کیفری) و پیشگیرانه‌ای دارد که در عمل نسبت به بزه‌کار و بزه‌کاری قابل اعمال باشند. این تعریف با تفاوت‌های ظریفی مورد توجه مارک آنسل قاضی فرانسوی نیز قرار گرفته است. وی معتقد است که «سیاست جنایی، هم یک علم است و هم یک هنر و موضوع آن فراهم ساختن امکان ارائه بهترین شیوه تدوین قواعد و مقررات موضوعه در سایه داده‌ها و یافته‌های علوم جرم‌شناختی است^۱». همانگونه که ملاحظه می‌شود در تمام تعاریف فوق‌الذکر که تعریف مضیق سیاست جنایی محسوب می‌شوند، کم و بیش بر عناصر «بزه، بزه‌کار و بزه‌کاری» و «واکنش سرکوبگرانه یا پیشگیرانه یا اصلاحی» از سوی «دولت» تصریح شده است.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰، ص ۸۸.

بند دوم: مفهوم موسع سیاست جنایی

از این منظر، سیاست جنایی در سطح حقوق کیفری یا جرم‌شناسی محدود نمانده و خود مفهومی مستقل و رشته مطالعاتی نوینی شناخته می‌شود. بدین سبب، در تعریف موسع سیاست جنایی، واژگانی جدید (عمدتاً متفاوت با آنچه در تعاریف مضیق به کار رفته است)، دیده می‌شود.

مارک آنسل سیاست جنایی را «واکنش سازمان یافته و سنجیده شده جامعه در مقابل اعمال مجرمانه یا ضد اجتماعی» و خانم کریستین لازرژ آن را «غور و تفحص منتقدانه و علت‌یابانه پیرامون پدیده مجرمانه؛ رمزبایی پدیده مجرمانه و وسایل به کار گرفته شده برای مبارزه علیه رفتارهای انحرافی یا مجرمانه؛ و نیز یک راهبرد حقوقی و اجتماعی مبتنی بر مبانی برگزیده عقیدتی با هدف پاسخ‌دهی واقع‌گرایانه به مسائل و مقتضیات پیشگیری و سرکوبی پدیده مجرمانه - به معنای وسیع کلمه»، می‌دانند.^۱

سیاست جنایی به منزله یک رشته مطالعاتی اکنون در مرحله‌های اولیه تکوین خود را می‌گذراند. زیرا، تا پیش از دلماس مارتی، سیاست جنایی فقط اصلاحی جدید در دامنه علوم جنایی بود. پدیداری دیر هنگام دانش سیاست جنایی تعریف و توضیح آن را اندکی دشوار کرده است. با تکیه بر هویت اجرایی این دانش به منزله گونه‌ای از سامانه برنامه‌ریزی عمومی می‌توان «علم سیاست جنایی را دانش ناظر بر تدوین، شناسایی و ارزیابی سامانه پاسخ‌دهی به جرم و کژروی» تعریف کرد.^۲

۱. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی اسلام و ایران»، رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۵.

۲. ایروانیان، امیر؛ سیاست جنایی پیشینه تاریخی، ساختار، و ویژگی‌ها، تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقالات، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸، ص ۷۰.

گفتار دوم: مفهوم سیاست جنایی مشارکتی و نقش آن در سطوح

مختلف سیاست جنایی

در این گفتار در دو بند به بررسی مفهوم و انواع سیاست جنایی مشارکتی خواهیم پرداخت.

بند اول: مفهوم سیاست جنایی مشارکتی

شرکت دادن جامعه مدنی به خصوص مردم در این پروسه، صرفنظر از نشان دادن کارایی مردم در این عرصه، خود به این معناست که پیشگیری و حتی تأمین امنیت به این گروه از جامعه نیز بر می‌گردد. به عبارت دیگر برای تحقق یک سیاست جنایی واحد در سطح کلان، نه تنها مشارکت طیف گسترده‌ای از کنشگران این عرصه را نیاز دارد، بلکه نوعی هماهنگی و انسجام در بین تمامی ارکان فوق‌الذکر را می‌طلبد. بنابراین سیاست جنایی مشارکتی یعنی یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است.

مشارکت مردم در امور عمومی از آنجایی ضرورت دارد که باعث آشنایی مردم با امکانات و محدودیت‌های موجود در نظام پیرامون آن‌ها می‌شود. مشارکت تجربه شهروندی را فعال و مترقی ساخته و شهروندان را نسبت به نظم علاقه مند می‌کند و باعث افزایش آگاهی ایشان درباره وظایف دولت، مردم، محدوده‌ها و محدودیت‌های حقوق دیگران می‌شود.^۱

۱. قبادی، علیرضا؛ ضرورت مشارکت مردم در عرصه‌های فرهنگی، از مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی، جلد اول، تهران، نشر آن، ۱۳۸۱، ص ۳۸.

مشارکت مردم به گونه‌های مختلف در اداره امور از اهمیتی والا برخوردار است. امروزه برای برنامه‌ریزان تکیه بر الگوهای توسعه درون‌زا و خودیار، امری ضروری است. زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اجرا شود، افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هرکدام نظر اصلاحی برای ایجاد امنیت اجتماعی بدهند، در واقع می‌توان گفت که یک نوع ارتباط دو سویه تعاملی - به وجود می‌آید که در آن دیگر، فرآیند مدیریت و تصمیم به صورت از «بالا به پایین» نیست، بلکه از «پایین به بالا» نیز خواهد بود.^۱ و برای کنترل جرم از ظرفیت‌های جامعه در اصلاح مجرمان غیرخطرناک و اصلاح‌پذیر بر استفاده حداقلی از کیفر تأکید می‌شود. یکی از اهداف اصلی کیفرهای اجتماع محور همچنان که از نام آن پیداست اجرای کیفر در بستر جامعه می‌باشد.

هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ دهی - مجازات - و بازپذیری اجتماعی بزهکاران است. در واقع تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد و از آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله تفکیک ناپذیرند، از این رو سیاست جنایی مشارکتی بر آن است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید.^۲

سیاست جنایی مشارکتی خود به دو نوع کنشی یا پیشگیرانه و واکنشی و پاسخگو تقسیم می‌شود. در نوع اول آن، قبل از اینکه جرمی اتفاق بیفتد دخالت مردم و نهادهای جامعه وی قابل مشاهده است و از ظرفیت‌های آن برای جلوگیری از ارتکاب جرم استفاده می‌شود. در جرم‌شناسی به آن پیشگیری اجتماعی گفته می‌شود که بهترین و پایدارترین نوع پیشگیری از جرم می‌باشد. در نوع دوم آن، بعد از ارتکاب جرم در حد

۱. جمشیدی، علیرضا؛ سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰، ص ۹۵.

۲. لازرژ، کریستین؛ درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹.

۱۸۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

ممکن، از قابلیت‌ها و توانایی‌های جامعه مدنی برای حل اختلافات استمداد می‌شود و اختلافی که برخاسته از بطن جامعه است، برای رسیدگی نیز به همانجا ارجاع داده می‌شود.^۱

بند دوم: نقش سیاست جنایی مشارکتی در سطوح مختلف سیاست جنایی

ابتدا، در سطح سیاست جنایی تقنینی باید گفت که جرم‌انگاری رفتارها در مجلس قانونگذاری اصولاً مسبوق به بررسی و کنکاش درباره‌ی طرح‌ها و لایحه‌هایی است که سپس با لباس قانونی در می‌آیند. در این میان، نهادهای گوناگون از جمله، رسانه‌های گروهی - در آگاه‌سازی مردم و در نتیجه، شرکت دادن آن‌ها در فرآیند تهیه و تنظیم یک پیش‌نویس قانونی تا تصویب آن نقش مهمی بر عهده دارند.^۲

دوم، در سطح سیاست جنایی قضایی نیز جامعه‌ی مدنی می‌تواند از رهگذر ابزارهایی چون رسانه‌های گروهی، با وجود برخی توالی فاسد چون تلقین پیش‌داری و ... زمینه‌ی تحقق یک دادرسی عادلانه را فراهم کنند. زیرا، حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه‌ها به منظور آگاه‌سازی مردم در پرتو علنی بودن دادرسی‌ها - که نظام حقوقی ایران نیز آن را پذیرفته است - نه تنها به انجام دادرسی‌های منصفانه و بی‌طرفانه کمک می‌کند، بلکه در نقد منصفانه و به دور از غرض‌ورزی دادگاه‌ها و تصمیم‌های قضایی نیز می‌تواند مؤثر باشد. حضور هیأت منصفه‌ی مردمی در دادگاه‌های

۱. شیعه علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی؛ جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره ۴ و ۵، ۱۳۹۴، ص ۲۹۲-۲۹۳.

۲. ر. ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، علوم جنایی، مجموعه مقالات، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷، همچنین ر. ک: زینالی، حمزه، نوآوری‌های قانونی در حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷، سال ۱۳۸۲، ص ۵۲ و بعد، زینالی، حمزه، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و تقابل دیدگاه‌ها در آن، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۹، سال ۱۳۸۲، ص ۱۰۹.

ویژه‌ی جرایم مطبوعاتی و نیز حضور مشاوران یا دادرسان مردمی در دادگاه‌های خانواده و اطفال بزهکار نموده‌هایی دیگر از سیاست جنایی قضایی مشارکتی است. سوم، در سطح سیاست جنایی اجرایی که بخشی از آن مرتبط با اقدامات در مرحله کشف و تعقیب دادرسی و اجرای حکم است نیز پلیس و دستگاه‌های اجرایی خاص - مانند سازمان زندان‌ها، جنگل بانی یا سازمان محیط زیست - به عنوان ضابطان دادگستری با دستگاه قضایی و نهادهای مربوط همکاری دارند.

در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که جلب افکار عمومی در افزایش کارایی این نهادها و کاهش هزینه‌های انسانی و مادی کشف و پیگرد جرایم از یکسو و از دیگر سو مشارکت مردم در حل و فصل مبتنی بر صلح و سازش و میانجیگری و حتی تلطیف نمودن مجازات‌ها و همکاری در اجرای آن به ویژه همکاری در مشخص شدن مجازات‌ها و یا کمک به زندانیان نیازمند به گونه‌ای که سال‌های اخیر در کشورمان شاهدیم اهمیت فراوانی دارد و بدین سان، مشارکت و همکاری مردم در سطح سیاست جنایی اجرایی از جایگاه قابل توجهی در کنترل و مبارزه با بزهکاری برخوردار است.^۱ نتیجه آن که در کنار نظام کیفری، عدم استفاده از بالقوه‌گی سایر اجزای جامعه‌ی دولتی و رسمی نه تنها در مبارزه‌ی کیفری با جرم، بلکه در پیشگیری از جرم، که جزو رسالت کل جامعه در قالب همبستگی دولت و مردم است، کارآیی نظام کیفری را محدود و در نهایت، به کنترل ناکارآمد بزهکار و بزهکاران منجر می‌شود.^۲ افزون بر این‌ها از آنجا که یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی نظام‌های کیفری که در پرتو اصول

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مشارکت مردم در سیاست جنایی و نقش رسانه‌ها در افزایش این مشارکت، گزارش اجمالی نخستین کارگاه آموزشی بزهکاری و رسانه‌های گروهی، کمیته‌ی سیاست جنایی مشارکتی، کمیسیون تدوین سیاست جنایی و اصلاح قوانین کیفری، شورای عالی توسعه قضایی، ۱۳۸۲، ص ۱۶.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، منبع پیشین، ص ۲۶۸.

۱۹۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

مدرن و مکاتب نوین حقوق کیفری در دهه‌های اخیر تحول یافته‌اند، مشارکت جامعه‌ی مدنی و اجزای آن در فرآیند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم است.^۱ بدین سان، می‌توان گفت که سیاست جنایی ذاتاً دولتی، به سوی سیاست جنایی مشارکتی، که جلوه‌ای از حضور و مداخله مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، داوری، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزهکاری است، حرکت می‌کند. به دیگر سخن، دولت‌ها نمی‌توانند نقش مؤثر مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) را در اشکال گوناگون کنترل جرم نادیده بگیرند.^۲

گفتار سوم: هدف مداخله جامعه مدنی در سیاست جنایی

هدف مهم مداخله جامعه مدنی در سیاست جنایی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه‌ی پیشگیری و پاسخ‌دهی - مجازات- و بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران است. در واقع تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد. از آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله‌ی تفکیک‌ناپذیرند و همه‌ی دست‌اندرکاران آن را درک می‌کنند، از این رو سیاست جنایی با مشارکت جامعه مدنی بر آن است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید.

برای نمونه فرانسه اقدام به تهیه‌ی «قراردادهای محلی امنیت» که میان نهادهای دولتی و محلی امضا می‌شود، نموده‌اند و در واقع در این کشور قرارداد محلی امنیت، نمونه‌ای از تحقق اهداف مداخله جامعه مدنی در سیاست جنایی است که مؤلفه‌های آن پیشگیری مشارکتی در ابعادی گسترده، میانجیگری کیفری، حمایت از بزه‌دیده و

۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، ۱۰، ۱۳۸۲، ص ۳.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۷، ص ۴۳.

گسترش امنیت اجتماعی در سطوح مختلف است و می‌توان این موضوع را با توجه به نتایج سازنده‌ی آن از نمونه‌های موفق دانست که در توسعه‌ی سیاست جنایی مشارکتی در ایران نیز مورد توجه قرار گیرد.

قرارداد محلی امنیت که ابزار قراردادی منحصر به فردی است که دست‌اندارکاران نهادی - رسمی - آن را امضا می‌کنند، باید در بطن نهادهایی مانند شوراهای پیشگیری از بزهکاری تنظیم، پیگیری و برآورد شود.^۱

در کشور فرانسه قرارداد محلی امنیت به مناسبت کنفرانس ویپینت - که در اکتبر ۱۹۹۷ توسط وزارت کشور سازمان دهی شده بود - به شکل بخشنامه، مطرح شد و خمیر مایه‌ی ایجاد ابزاری نوین در امنیت داخلی که حاصل آن قراردادهای محلی امنیتی بود گردید. قرارداد محلی امنیت - **C. L. S.** - می‌تواند در محله‌ها یا ناحیه‌ها - اراضی کوچک - و همچنین در گروهی از اجتماعات اجرا گردد. از دیگر سو، نسبت به شبکه‌های حمل و نقل نیز قابل اجرا است. پیش از هر چیز در پی عملی شدن قرارداد محلی امنیت - **C. L. S.** - راه حلی در همکاری با شرکای بیرونی - مددکاران اجتماعی، بنگاه‌های حمل و نقل عمومی، انجمن‌های پیشگیری یا کمک به بزه‌دیدگان، و متخصصان... - فراهم گردید. این ابزار با کمک به اتخاذ تصمیمی با هدف برخورد با مشکلات ناامنی در کلیتش، در جایگاه نخستین قرار گرفت؛ در اولویت قرار گرفت - نتیجه این اقدام در واقع ظهور قرارداد محلی امنیت بود، که باید در پی تعریفی از اولویت‌های عملکرد آن در شرایط ذیل می‌بود:

- از پیشگیری از بزهکاری؛
- از آموزش شهروندی؛
- از مسئولیت مشترک همسایگی؛
- از پیشگیری از اعتیاد، خشونت‌های شهری، و پدیده‌ی تشکیل باندها،

۱. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، منبع پیشین، ص ۱۴۵.

۱۹۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

- از پیشگیری در داخل و اطراف مدارس.
- کمک به بزه‌دیدگان؛
- میانجیگری کیفری؛
- کمک به بزرگسالان در انجام رسالت‌های محوله؛
- مدنظر قرار دادن امنیت در امر شهرسازی،
- تنظیم و تنسيق کنش‌های نیروهای ملی پلیسی - پلیس ملی و ژاندارمری ملی -
به ویژه در پذیرش، قبول و ثبت شکایت.
- قرارداد محلی امنیت ابزاری کاربردی و اثرمند بر سرزمین‌های این کشور شد و از آثار آن می‌توان موارد زیر را برشمرد:
- ایجاد ابتکار و نوآوری در استانداری و دادستان جمهوری، و به دنبال آن شهرداران مربوط؛
- استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های موجود در یک محل، چون قراردادهای تجاری یا اتحادیه‌های ساکنان محلی به منظور مشارکت در پیشگیری از جرم؛
- باز کردن باب گفتگو با قضات ویژه - قاضی اطفال، یا قاضی اجرای مجازات‌ها.^۱
- توسل به سیاست جنایی با مداخله جامعه مدنی در مقام پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه -
به ویژه، در صورت ارتکاب جرم - نیازمند آن است که در پاسخ‌های خاص نهادهای مسئول امنیت - پلیس و دادگستری - نیز تجدیدنظر شود. به دیگر سخن، پلیس و دادگستری باید به اجرای شیوه‌های جدید اقدام و مداخله تمایل داشته و بر این اساس در عملکرد خود بازنگری کنند. یکی از این شیوه‌های جدید، ایجاد «پلیس محلی» است. مأمور پلیس محلی تنها یک مأمور مراقب محلی نیست، بلکه باید با ساکنان محل مأموریت خود ارتباط نزدیکی برقرار کند. از نیازهای آنها در مورد امنیت مطلع شود و بر پایه‌ی اطلاعات گردآوری شده در مورد ماهیت مفیدترین اقدام‌ها و نوع خدمات،

۱. بوئر، آلن و روفر، اگزویه، خشونت و ناامنی شهری، ترجمه‌ی محمدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجلد، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۱۱۸-۱۱۴.

مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی با تأکید بر سیاست جنایی ایران.....۱۹۳

متناسب با وضع و شرایط محل تصمیم بگیرد.^۱ همچنین، پلیس محلی، ساکنان محل
مأموریت کار خود را در فعالیت‌های خود کاملاً شریک می‌کند.^۲

بدین ترتیب، می‌توان گفت هدف مهم سیاست جنایی با مداخله جامعه مدنی یعنی
تأمین امنیت می‌تواند با همجواری زمانی و مکانی دست‌اندرکاران دولتی و جامعه‌ی
یعنی از رهگذر پیشگیری و سرکوب کیفی بزهکاری و نیز بازپذیرسازی اجتماعی
بزهکاران جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

مبحث دوم: مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی

در این مبحث؛ به اهمیت مشارکت مردمی و نقش ایجابی آن، مشارکت مردم و
جامعه مدنی در پرتو ارکان سیاست جنایی خواهیم پرداخت.

گفتار اول: اهمیت مشارکت مردمی و نقش ایجابی آن

بند اول: اهمیت مشارکت مردمی

مشارکت مردم به گونه‌های مختلف در اداره‌ی امور از اهمیتی والا برخوردار است و
در این زمینه می‌توان از دو روش، تبیین علمی موضوع و مراجعه به مستندات موجود،
بهره گرفت. در همین راستا لازم به ذکر است که موضوع مورد نظر، کلید موفقیت هر
اقدامی است که به منظور نیل به امنیت اجتماعی و تسهیل توسعه‌ی پایدار اجتماعی
صورت می‌گیرد. همانطور که می‌دانیم، امروزه برای برنامه‌ریزان تکیه بر الگوهای توسعه
درون‌زا و خودیار، امری ضروری است. زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اجرا شود،
افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را بکار می‌گیرند. تا هر کدام نظر اصلاحی برای
ایجاد امنیت اجتماعی بدهند، در واقع می‌توان گفت که یک نوع ارتباط دو سویه،

۱. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۱۴۹.
۲. در مورد پلیس محلی، همچنین ر. ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاران و پلیس
محلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵-۲۶، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹.

۱۹۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

تعاملی؛ به وجود می‌آید که در آن دیگر، فرآیند مدیریت و تصمیم به صورت از «بالا به پایین» نیست. بلکه از «پایین به بالا» نیز خواهد بود به نظر می‌رسد که در اینجا بجاست که با الهام از «مدل ارتباط دو سویه» دکتر خاتون آبادی^۱ این مدل^۲ را در توسعه عدالت مشارکتی نیز مورد توجه قرار داد.

یکی از مسایل که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به طور مؤکد از سوی مسئولان کشور مطرح می‌شد؛ مسأله شوراها و مشارکت مردمی در کلیه امور بود. قانون اساسی کشور به عنوان شالوده‌ی نظام به طور ریشه‌ای و اصولی به مسأله‌ی شوراها و مشارکت مردم پرداخته است. به طوری که علاوه بر نکات مهم در مقدمه و استنادات آن در باب مشارکت عمومی، در اصول قانون اساسی نیز به این امر اشاره شده که دو مورد آن در اینجا از اهمیتی دو چندان برخوردار است:

۱. بند ۸ از اصل سوم، مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را مطرح می‌سازد.

۲. همچنین بند ۱۵ از اصل سوم، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه‌ی مردم را مطرح می‌کند.

مهمترین عامل برای استناد، قرآن کریم است که در قسمت‌های مختلف آن به اهمیت مشارکت اشاره شده است.

به عنوان مثال در سوره شورای آمده است:

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يَنْفِقُونَ.^۳

۱. خاتون آبادی، سید احمد، رادیو ارتباط توسعه‌ای، تهران: سروش، ۱۳۷۴، صص ۲۲۰-۲۱۹.

۲. مدل، بیانگر این موضوع است که با استفاده از مشارکت افراد در تصمیم‌گیری‌ها، که باعث ایجاد خلاقیت در آن‌ها می‌شود، می‌توان برای برقراری امنیت اجتماعی سود برد و همچنین به معنای تأیید این جمله است که برای جلب مشارکت مردمی «با مردم بودن» مهم است نه «برای مردم بودن».

۳. سوری شوری / آیه ۳۸.

- آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را بپا داشتند و امورشان را به مشورت گذاشتند و از آنچه روزیشان کردیم انفاق می‌کنند.

بدین ترتیب با کمی دقت در می‌یابیم که تمامی این عوامل و گفته‌هایی که در باب اهمیت مشارکت وجود دارد، اگر مورد توجه قرار گیرند همگی می‌توانند برای استحکام و استوار ساختن اصول و راه‌های اصلاحی بکار روند. در نتیجه از جرایم و حوادث خشونت بار که به طور قطع نتایج نامطلوبی را هم به دنبال دارند، پیشگیری می‌شود. به همین جهت از مشارکت مردم به عنوان کلید موفقیت برای امنیت اجتماعی می‌توان یاد نمود. در نتیجه و به تعبیری می‌توان در این پایان‌نامه به طور کلی مشارکت را «دخالت افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور اجتماعی به منظور افزایش سازگاری اجتماعی و تقویت امنیت که زمینه ساز توسعه‌ی پایدار اجتماعی می‌شود»، قلمداد کنیم.

بنابراین:

۱. می‌توان بر موانع موجود بر سر راه توسعه و ایجاد امنیت غلبه کرد و این کار را با دادن فرصت کامل به مردم برای مشارکت در تمام فعالیت‌های مربوط به پیشگیری و پاسخگویی به پدیده‌ی مجرمانه سامان‌دهی نمود.
۲. مشارکت امری موجه است، چون نه تنها اراده‌ی اکثریت را بیان می‌کند، بلکه تنها راه صلح‌آمیز برای نیل به اهداف مهم اخلاقی، انسانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.
۳. می‌توان متغیرهای «واکنش متقابل گفت و شنودی»، «تحقیقات عمل مشارکتی» و دیگر فعالیت‌های مشابه، که به مردم امکان سازمان‌دهی در جهت تأمین مقاصد خود را می‌دهد، توسعه بخشید. البته زمانی که مفهوم مشارکت مردمی به عنوان کلیدی در ایجاد امنیت اجتماعی و همچنین توسعه‌ای بدیل و انسان محور مطرح می‌شود.

۱۹۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

با این همه به نظر می‌رسد که باید مشارکت را فقط به حضور فیزیکی افراد محدود نکرد و مراد از مشارکت احساس مسئولیت افراد در برابر یکدیگر و همچنین در برابر کل جامعه، بر طبق این جمله معروف «یکی برای همه و همه برای یکی» باشد.^۱

بند دوم: نقش ایجابی مشارکت مردم

ایجاد مشارکت و تبادل آراء و افکار میان مردم یک جامعه با فرهنگ‌های متفاوت، ضمن آشنا ساختن اقشار مختلف با یکدیگر، از شکل‌گیری و تولد احساس پوچی و بی‌تفاوتی در برابر آنچه در محیط جامعه می‌گذرد، جلوگیری نموده و نوعی وفاق و همبستگی را سبب می‌شود که پیامدهای سازنده‌ی ناشی از آن به طور مستقیم یا به طور غیرمستقیم، سایر عرصه‌های حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

الف. افزایش امنیت و کاهش پدیده‌های مجرمانه

در بسیاری از رژیم‌های ضد مردمی دنیا در حد امکان سعی می‌شود که توده‌ی مردم از فراگیری مسایل سیاسی و تجزیه و تحلیل رویدادها محروم باشند. زیرا مشارکت آنان در مسائل اجتماعی و آگاهی آن‌ها از اقدامات دولت‌ها را خطرناک می‌دانند. استدلال این گروه از دولت‌ها آن است که در صورت آشنایی مردم با مسائل سیاسی، فساد دولت‌ها در انجام اقدامات ضد مردمی بهتر و زودتر افشا می‌شود. اما در حکومت‌های سالم، شرکت و مداخله‌ی سازنده‌ی مردم در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی نشانه‌ی اعتماد آنان به حاکمیت و موجب تقویت توان اجرایی در زمینه‌های مختلف و از جمله تأمین امنیت عمومی است.

از این رو، با ایجاد و تعبیه بسترهای مناسب جهت مشارکت مردمی، احتمال رخداد تنش و اغتشاشات در اثر اصطکاک و برخورد منابع گروهی کاهش یافته و بر میزان وفاق و همبستگی ملی افزوده می‌گردد.

۱. جمشیدی، علیرضا؛ سیاست جنایی مشارکتی، منبع پیشین، صص ۹۲-۹۳.

ب. تسهیل روند توسعه

لازمه‌ی توفیق حکومت‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه، پیشرفت، همدلی و همراهی توده‌های مردم است. که هدف اصلی چنین برنامه‌هایی است. در غیر این صورت، دولت نمی‌تواند فرامینش را به اقصی نقاط قلمرو خود صادر کند و در نتیجه همچون ظرف مشبکی خواهد بود که از مرحله سیاست‌گذاری تا مرحله اجرا، همه ظرفیتش را از دست می‌دهد؛ و در حقیقت به آنچه که «بحران نفوذ» خوانده می‌شود گرفتار آمده است.

پ. امنیت اخلاقی و سلامت فرهنگی - اجتماعی به ویژه در میان جوانان

مقطع جوانی به واسطه‌ی سه نیاز خاص این دوران از سایر ادوار زندگی بشر متمایز می‌گردد که عبارتند از: پرکردن اوقات فراغت، ارائه الگو و هویت طلبی، پرواضح است که در صورت عدم آرایه‌ی پاسخ مقتضی و مناسب به این نیازها، نمی‌توان انتظار داشت جوانان در برابر خطرات و انحرافات احتمالی، ایمن و مصون باشند و از گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی خودداری ورزند. از این رو و با عنایت به بافت جوان کشور به نظر می‌رسد که فراهم ساختن بسترها در زمینه‌های مشارکت در عرصه‌ی اجتماعی می‌تواند به همراه اندکی صبر و مدارا با این قشر پرتحرک، تا حد زیادی نیازهای مذکور را تأمین و در نتیجه از میزان نگرانی‌ها درخصوص این گروه تا حد قابل ملاحظه‌ای بکاهد.

ت. جلوگیری از انفعال و افزایش نظارت همگانی بر نهادهای اجرایی

در این زمینه شهید مطهری می‌گوید: تنها نمی‌توان همه چیز را به عهده‌ی تقوای مسئولین و عاقبت ترسی آن‌ها گذاشت و خیال خود را از اینکه صفت تقوی در مقولات اجتماعی به تنهایی می‌تواند جلوی فساد را بگیرد، راحت کرد. باید نهادهایی همسنگ قدرت دولت ایجاد کرد تا ملکه تقوی در میان مسئولین راسخ‌تر گردد و در عین حال از طریق ساز و کارهایی مشخص، بر اعمال و رفتار ضابطین حکومت نظارت

۱۹۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

شود، با در نظر گرفتن این مهم و گستردگی دامنه‌ی ضرر و زیان ناشی از نبود فضای مشارکت، که امری ضروری تشخیص داده شده و حق انتقاد و بازخواست مردم از مسئولان به رسمیت شناخته شده است. از جمله امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «اذا عَمِلَتِ الْخَاصَّةُ بِالْمَنْكَرِ جَهَاراً، فَلَمْ تُغَيَّرْ عَلَيْهِ الْعَامَّةُ بِذَلِكَ اسْتَوْجِبَ الْفَرِيقَانِ الْقَوْبَةَ مِنَ اللَّهِ».

هرگاه خواص به کارهای ناشایست دست زدند و گروه مردم بر ایشان نشوریدند، هر دو دسته مستوجب کیفر الهی خواهند بود. بدیهی است هر چه آگاهی ناظرین و شرکت‌کنندگان در عرصه‌ی عمومی بیشتر باشد، نظارت آنان دقیق‌تر و کارآمدتر خواهد بود. میزان بالای آگاهی، نتیجه مستقیم مطالعه و ارتباط هر چه بیشتر با وسایل اطلاع‌رسانی است.

بررسی تجربه کشورهای امن جهان - نظیر ژاپن - رابطه مستقیم میان سطح توجه و رغبت مردم به عرصه‌های فرهنگی و از جمله کتاب و روزنامه و میزان امنیت عمومی را آشکار می‌سازد. در بررسی تاریخ اجتماعی ایران نیز این حقیقت کاملاً مشهود است که در هر مقطع که جنب و جوش اجتماعی در کشور نضج گرفت، از میزان جرایم اجتماعی به شکل محسوسی کاسته شد و فضای نسبتاً سالمی بر جامعه حاکم گشت که در سایه‌ی آن وفاق ملی تقویت شده و در راستای همکاری با دولت در تأمین همگانی بکار گرفته شده است. در حالت عکس، نابسامانی اجتماعی تشدید و با رانده شدن جامعه به سوی غیرسیاسی شدن از ضریب امنیت عمومی به شدت کاسته شده است.^۱

گفتار دوم: مشارکت مردم و جامعه مدنی در پرتو ارکان سیاست جنایی

سیاست جنایی متشکل از دو بخش عمده‌ی پدیده‌ی مجرمانه و پاسخ‌های هیأت اجتماع است. از طرفی پدیده‌ی مجرمانه نیز دربرگیرنده‌ی جرم و انحراف است. هیأت

۱. جمشیدی، علیرضا؛ سیاست جنایی مشارکتی، منبع پیشین، صص ۹۳-۹۵.

اجتماع نیز مفهومی است برای بیان مجموعه‌ای متشکل از دولت و جامعه‌ی مدنی، بر این اساس می‌توان گفت سیاست جنایی می‌تواند چهار رکن داشته باشد که عبارتند از:

۱. جرم یا بزه؛

۲. انحراف یا کژمداری؛

۳. دولت؛

۴. جامعه‌ی مدنی.^۱

با آنکه هرکس می‌تواند تصویری اجمالی از مفهوم هر کدام از چهار رکن یاد شده داشته باشد تلاش خواهد شد تا مفهوم روشن‌تری از آن‌ها ارائه گردد و به وضوح بیشتر بحث‌های بعدی کمک نماید.

از سوی دیگر، توصیف نظام‌های سیاست جنایی با تنوع بیکران عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها امری به غایت دشوار و ناممکن است.^۲

یکی از راه‌های غلبه بر این مشکل، مدل‌سازی و در واقع تحلیل نظام‌های سیاست جنایی در قالب مدل‌های مختلف است. در این زمینه برحسب اینکه دولت تا چه اندازه حضور و مشارکت جامعه مدنی را در عدالت کیفری و پیشگیری از جرم فراهم نموده باشد؛ می‌توان مدل دولتی سیاست جنایی را از مدل جامعه‌ی سیاست جنایی تفکیک کرد.^۳

از طریق تحلیل این مدل‌ها و بررسی مقایسه‌ای آن‌ها نقش و جایگاه جامعه‌ی مدنی در عرصه‌ی سیاست جنایی قابل‌بازشناسی خواهد بود.

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره‌ی اصطلاح سیاست جنایی، پیشگفتار لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، منبع پیشین، ص ۳۷.

۲. دلماس، مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۱، ص ۲۵.

۳. دلماس، مارتی، می‌ری، از حقوق جزا تا سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله نامه مفید، شماره ۱۱، ۱۳۷۶، ص ۱۸.

۲۰۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

بند اول: پدیده‌ی مجرمانه

پدیده‌ی مجرمانه در مفهوم کلی آن به معنای رفتارهای فاصله‌گیر از هنجارهاست. بر این اساس برای شناخت این پدیده نخست باید دید که هنجار چیست؟ در یک تعریف ساده می‌توان گفت: «هنجارها در واقع الگوهای به معیار آمده، جا افتاده و بهنجار شده‌ی رفتار انسان در متن جامعه هستند.^۱ هنجارهای اجتماعی چگونگی روابط رفتارهای اجتماعی را معین می‌کنند و به طور معمول محدودیت‌هایی نیز در زمینه‌ی رفتار آدمیان به وجود می‌آورند.^۲ افراد به دلیل آنکه در عضویت جامعه پذیرفته شوند، سعی می‌کنند رفتار خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار نمایند.^۳ براین اساس هرگونه رفتار و کرداری که حاکی از جدا شدن، دور شدن و فاصله گرفتن از هنجارها باشد مبین پدیده‌ی مجرمانه خواهد بود.^۴ چنین رفتارها یا حالت‌هایی، زمینه‌ی مداخله‌ی نظام کیفری و نظام‌های رسمی دارای ضمانت اجرا، نظام‌های غیررسمی و به تعبیری کلی جامعه‌ی مدنی را فراهم خواهد ساخت.^۵ پاسخ‌های یک جامعه به بخش قابل توجهی از رفتارهای فاصله‌گیر از هنجارها - و نه همه‌ی آنها - از این روست که در صورت پاسخ ندادن، خطر اضمحلال و محو آن، جامعه را تهدید خواهد کرد.^۶

۱. رئیس دانا، فریبرز، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰، ص ۹.

۲. فرجاد، محمد حسین، روانشناسی و جامعه‌شناسی جنایی، انتشارات همراه، ۱۳۷۱، ص ۱۷.

۳. همان، ص ۱۸.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگفتار لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، منبع پیشین، ص ۳۴.

۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات دوره کارشناسی ارشد، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴.

۶. دلماس، مارتی، می ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، منبع پیشین، ص ۸۳.

در واقع حیات یک جامعه در گرو پاسخ های آن به رفتارهای فاصله گیر از هنجارهاست. وانگی در این میان این پرسش به ذهن متبادر می شود که با توجه به تعریف گسترده ی ما از سیاست جنایی، هنجارها کدامند؟ و چگونه در جوامع شکل می گیرد؟ آیا هنجارها مفهومی منطقه ای و ملی دارد؟ و یا آنکه سرانجام آنکه مفهومی جهانی؟ و یا آنکه نسبی است و سرانجام آنکه منظور ما از هنجار یا نابهنجاری در اینجا چیست؟

در حقوق جزا، جرم انگاری ها و پاسخ ها، افزون بر کارکرد مبارزه با بخشی از نابهنجاری ها، نقش بیان و توصیف ارزش ها را نیز ایفا می کنند، به گونه ای که با مطالعه ی قانون جزای هر کشوری می توان به ارزش های اصلی آن جامعه پی برد.^۱ در جامعه شناسی به نظر می رسد که هنجار در مفهوم کلی آن و بررسی رفتارهای انحرافی، یکی از حوزه های تحلیل جذاب باشد،^۲ زیرا به اندازه ی ارزش ها و هنجارهای اجتماعی، انواع فراوان تخلف از قانون نیز وجود دارد. از آنجا که هنجارها در میان فرهنگ های مختلف و حتی میان خرده فرهنگ های گوناگون جامعه تفاوت دارد، ممکن است آنچه را که در یک محیط فرهنگی، طبیعی است؛ در محیط فرهنگی دیگری انحراف به شمار آید. ما در چهارچوب خاص سیاست جنایی، مفهوم هنجار - **Norme** - و در نتیجه رفتارهای فاصله گیر از آن، در پرتو دو مفهوم هنجارمندی یا قاعده مندی - **Normativite** - و بهنجاری - **Normalite** - مورد بحث قرار می گیرد.^۳

قاعده مندی به امر آرمانی، به آنچه که باید باشد ارجاع می دهد.^۴ به رفتارهایی که یک انسان اجتماعی باید پیشه ی خود کند، به اصولی که باید رعایت شود؛ و در کل

۱. کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، چاپ دهم، نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹.

۲. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه ی منوچهر صبوری، چاپ دهم، نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹.

۳. دلماس، مارتی، می ری، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، منبع پیشین، ص ۷۹.

۴. همان، ص ۸۰.

۲۰۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

وظیفه‌ی بودن در جامعه و کلیه‌ی تبعات آرمانی که دارد ارجاع می‌دهد.^۱ از این رو هدف غایی هنجارمندی یا قاعده‌مندی استقرار در جامعه‌ی آرمانی و عاری از جرم است. و بر همین اساس می‌توان گفت، حقوق کیفری نیز رشته‌ای آرمانی و درصدد تحقق جامعه‌ای هنجارمند است.^۲

بهنجاری به یک حالت عادی مطابق با اکثریت موارد به مفهوم متوسط و میانگین، ارجاع می‌دهد.^۳ در واقع اشاره‌ی آن، به حالت عادی است. یعنی آنچه که هست و نه آنچه که باید باشد. در این مفهوم حالت عادی را می‌توان به معنای هم‌نواپی یا میانگین هنجارهای یک جامعه دانست.^۴

براین اساس برای تبیین رفتار فاصله‌گیر از هنجارها ابتدا باید مشخص کرد که ارجاع هنجار به کدامیک از دو مفهوم هنجارمندی یا بهنجاری است. چنانچه ارجاع هنجار به هنجارمندی باشد، رفتار فاصله‌گیر از هنجار مزبور جرم/ بزه خواهد بود و اگر ارجاع هنجار به بهنجاری باشد، رفتار فاصله‌گیر از هنجار مزبور انحراف/ کژمرداری خواهد بود.

بنابراین تحت عنوان پدیده‌ی جنایی یا پدیده‌ی مجرمانه می‌توان از دو مقوله‌ی جدا از هم یعنی هنجارمندی و بهنجاری که ناظر بر بزه و انحراف هستند یاد کرد.^۵ نکته‌ی مهم در ارتباط با دو مقوله‌ی مزبور این است که علیرغم تفکیک قائل شده میان آن‌ها، هنجارمندی و بهنجاری می‌توانند در تعامل با یکدیگر باشند و بر هم اثر

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات سیاست جنایی، دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱.

۲. همان.

۳. دل‌ماس، مارتی - می ری، همان، ص ۸۰.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، همان، ص ۱۰۱.

۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات سیاست جنایی، منبع پیشین، ص ۱۰۴.

مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی با تأکید بر سیاست جنایی ایران..... ۲۰۳

کنند و گاه حتی ممکن است در یک حرکت انقباضی مفهوم جرم و انحراف در هم ادغام شود.^۱ و در قالب مفهوم واحدی تحت عنوان «جرم - انحراف» مطرح شود.^۲ در مجموع یک رفتار تا زمانی که در وادی بهنجاری قرار دارد مشمول قاعده‌ی کیفری نیست و فقط سرزنش اجتماعی را به دنبال خواهد داشت اما هنگامی که در قلمرو هنجارمندی قرار می‌گیرد دارای تبعات حقوقی بوده و ضمانت اجراهای رسمی را به دنبال خواهد داشت.^۳

و در اینجا نقش حمایتی حقوق جزا از ارزش‌های جامعه مفهوم و معنا می‌یابد. تا آنجا که برخی نویسندگان میان «وظیفه‌ی سرکوبی و بیان ارزش‌ها در حقوق جزا رابطه‌ی ناگسستنی تصور نموده و بر این باورند که ضمانت اجراهای رسمی هر دو نقش را همزمان ایفا می‌کنند».^۴

اکنون از آن جایی که تعیین قلمرو و دامنه‌ی هنجارمندی توسط دولت صورت می‌گیرد، تحدید یا توسعه‌ی گستره‌ی آن می‌تواند نقش تعیین کننده در حضور جامعه مدنی در عرصه‌ی سیاست جنایی داشته باشد. اگر دولت دامنه‌ی هنجارمندی را بسیار گسترده کند تبعاً از قلمرو بهنجاری کاسته خواهد شد و در نتیجه جامعه‌ی مدنی مجال برای مشارکت در پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه نخواهد داشت. به عکس کاهش گسترده‌ی هنجارمندی نقش فعال‌تر و برجسته‌تر جامعه‌ی مدنی را در پاسخ‌دهی به پدیده‌ی

۱. همان.

۲. برای مثال در بند ۲ قانون جزای ۱۹۳۵ آلمان نازی مقرر شده بود «هر کسب مرتکب جرم می‌شود که قانون آن را قابل مجازات اعلام کرده است، یا این که به موجب اصول بنیادی قانون جزا و بنا بر فطرت مقدس ملت، شایسته یک کیفری باشد، تنبیه خواهد شد. اگر هیچ متن کیفری نسبت به مورد مطروح قابل اعمال نباشد، عمل مطابق با ماده‌ای مجازات خواهد شد که اندیشه‌ی بنیادی و مفاد آن به - ویژگی‌های - این عمل بیشتر نزدیک باشد». ر. ک: دلماس، مارتی، می ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، منبع پیشین، ص ۸۲.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، منبع پیشین، صص ۱۰۴-۱۰۵.

۴. کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، منبع پیشین، ص ۱۵۹.

۲۰۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

مجرمانه یا جرم‌زدایی و یا قضازدایی حرکت کنیم، می‌توانیم شاهد مداخله‌ی گسترده‌ی جامعه‌ی مدنی در نظام عدالت کیفری باشیم.

بند دوم: هیأت اجتماع

هیأت اجتماع که پاسخ‌دهی به پدیده‌ی مجرمانه را بر عهده دارد متشکل از دولت و جامعه مدنی است. این دو اصطلاح نیز همانند آنچه که در خصوص جرم و انحراف گفته شده، در نگاه نخست معنایی ساده و کلی را برای هر کس تداعی می‌کنند. با این حال درک مفهوم آن‌ها در چارچوب سیاست جنایی ممکن است مستلزم تأمل بیشتری باشد.

در مبحث بعدی اشاره خواهد شد که سیاست جنایی در پرتو نظام‌های لیبرال، اقتدارگرا و اقتدارگری فراگیر می‌تواند از ویژگی‌های خاصی برخوردار شود و در عین حال در قالب مدل‌های جامعوی و براساس رابطه‌ی جامعه‌ی مدنی با دولت تحلیل شود.

حال بدیهی است که برای بیان و درک بهتر موضوع لازم است خصیصه‌های دولت لیبرال، دولت اقتدارگرا و دولت اقتدارگری فراگیر بیان شود تا مقدمه‌ای برای بحث درباره‌ی مدل‌های سیاست جنایی باشد.

الف. دولت

قسمت اعظم جوامع کهن بی‌دولت بوده‌اند. با این وجود دچار هرج و مرج نمی‌شدند. چرا که دارای ساز و کارهای غیر رسمی حکومت بودند که از طریق آن‌ها تصمیمات مؤثر بر اجتماع به جریان می‌افتاد و همچنین منازعات افراد با یکدیگر حل و فصل می‌شد و تصمیمات عموماً در گروه‌های خانوادگی گرفته می‌شد.^۱ اما امروزه دولت نهاد بسیار مهمی است که بر بسیاری از جنبه‌های زندگی ما تأثیر می‌گذارد.^۲

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، منبع پیشین، ص ۳۳۸.

۲. همان، ص ۳۳۷.

دولت یا به تعبیر دقیق‌تر آن در حقوق اساسی، دولت - کشور «گروه انسانی است که در درون چارچوبه‌ی جغرافیایی معین، تشکیل جامعه‌ی سیاسی دهد و در آن قدرت برتر رقابت‌پذیری، بر کلیه‌ی اعضای حاکم شود و سازمان ویژه‌ای، مجهز به قهر اجتماعی، حفظ نظم عمومی را بر عهده داشته باشد...»^۱

براساس این تعریف، سه عامل گروه انسانی، جمعیت، چارچوب قضایی - سرزمین - و قدرت سیاسی، سازنده‌ی یک دولت، کشورند.

وجود گروه انسانی به عنوان تشکیل‌دهندگان جمعیت جامعه سیاسی، نخستین شرط تشکیل دولت - کشور است. پس از آن این گروه انسانی نیازمند فضای جغرافیایی است که با مرزهای معینی محدود شده و در آن قدرت و حاکمیت دولت - کشور اعمال شود. این فضا که بخشی از سطح کره‌ی زمین است و چارچوب عملکرد و میدان موجودیت دولت - کشور را تشکیل می‌دهد، سرزمین نامیده می‌شود.^۲

در کنار گروه انسانی و سرزمین، قدرت سیاسی از اساسی‌ترین شرایط موجودیت دولت - کشور به حساب می‌آید^۳ به گونه‌ای که می‌توان گفت: «دولت - کشور، سازمانی است واجد یک قدرت هنجاری که می‌تواند وسایل انحصاری به کار گرفتن اجبار فیزیکی را «حقاً» در اختیار داشته و بر گروه انسانی موجود در حد و مرزی سرزمین خود اعمال کند».^۴

قدرت سیاسی همراه با تشکیل جامعه و از خلال روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و همراه با تحول و پیچیدگی جوامع به صورت عالی‌تر و سازمان یافته‌تر و مبتنی و متکی بر سازمان بندی سیاسی اعمال می‌شود. قدرت مزبور بر دو گونه عامل اجبار و اعتقاد استوار است.

۱. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ یازدهم، انتشارات میزان، ۱۳۸۱، ص ۲۰۲.

۲. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، منبع پیشین، ص ۲۱۱.

۳. همان، ص ۲۱۶.

۴. همان، ص ۲۱۷.

۲۰۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

اجبار هرگونه عامل بیرونی است که از خارج بر فرد فشار می‌آورد تا از طبقه‌ی فرمانروا اطاعت کند و می‌تواند به شکل‌های فشار اجتماعی، الزام مادی و یا تبلیغات الزام از راه اقناع - اعمال شود.

در فشار اجتماعی، گروه اجتماعی، به طور جمعی، فرد را و می‌دارد از حکومت مورد پذیرش گروه اطاعت نماید و فرد بدون آن که به شکل آشکاری این فشار را احساس کند خود به خود به سوی متابعت از گروه رانده می‌شود.

با این همه، گاهی لازم می‌شود فشار اجتماعی توسط طبقه‌ی حاکم به نوعی تشدید و تقویت شود. در این صورت از الزام مادی سخن به میان می‌آید. الزام مادی نیز می‌تواند به صورت‌های گوناگونی مثل اجبار فیزیکی، اجبار از راه جاذبه‌ی شخصی، اجبار اقتصادی و اجبار از راه سازمان بندی‌های جمعی اعمال شود. در نهایت سومین شکل اجبار، تبلیغات سیاسی یا الزام از راه اقناع است که به عنوان ابزاری جهت تحکیم مبانی حکومت و جلب نظر و اطاعت مردم از فرمانروایان، از سابقه‌ای طولانی برخوردار است.

در واقع همه‌ی حکومت‌ها تلاش می‌کنند این باور در مردم ایجاد شود که آنچه حکومت انجام می‌دهد برای خیر و صلاح عمومی و ایجاد جامعه‌ای مرفه و آینده‌ای درخشان است و نظام حاکم بهتر از هر حکومت دیگری توانایی تحقق آن را خواهد داشت و خواهد توانست درهای سعادت و کامیابی‌های اجتماعی و فردی را بر روی اعضای جامعه بگشاید. بدیهی است تصدیق این امر توسط عمومی به مفهوم مشروعیت حکومت خواهد بود. چنین تبلیغاتی فی‌نفسه مشکل ندارد اما نکته در اینجاست که معمولاً این تبلیغات با فنونی صورت می‌گیرد که منجر به ایجاد ترس و بیم می‌شود. به بیان دیگر به تصویر کشیدن نیروی عظیم و خردکننده پلیسی و نظامی حکومت، دل‌های افراد را به جای اقناع از ارباب آکنده می‌کند و در نتیجه تبلیغات در چهره‌ی نوعی اجبار هویدا می‌شود.

مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی با تأکید بر سیاست جنایی ایران.....۲۰۷

اکنون در کنار اجبار، یکی دیگر از عوامل و سرچشمه‌های اطاعت شهروندان از قدرت، اعتقاد آن‌ها به نقش قدرت یا دارندگان آن است. آشکار است شهروندانی که به درستی، صحت، حقانیت و خدمتگذاری صاحبان قدرت باور داشته باشند، کم و بیش از دستاوردها، مقررات و هنجارهای وضع شده از سوی هیأت حاکم گردن خواهند گذاشت بخشی از این اعتقاد جنبه‌ی القایی دارد و توسط تبلیغات حاصل می‌شود و بخش مهمی از آن براساس انطباق حکومت با نظریه‌ی قدرت رایج در جامعه حاصل می‌شود.^۱

بنابراین دولت می‌تواند شکل‌های گوناگونی به خود بگیرد که انواع دولت‌های مردم سالار، دولت مردم‌سالار دینی دولت اقتدارگرا و دولت اقتدارگرایی فراگیر از مهمترین شکل‌های آن است که در چارچوب سیاست جنایی مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. دولت مردم سالار آشکارا الهام گرفته از ایدئولوژی آزادیخواهی - لیبرالیسم - است.^۲ آزادیخواهی قرن نوزدهمی و کنونی که خود زاینده‌ی تفکرات فیلسوفان اجتماعی چون جان لاک انگلیسی در آثاری چون لوباتان، و ژان ژاک روسو در اثر معروفش، قرارداد اجتماعی است. «در مفهوم وسیع خود عبارت است از اعتقاد به این که انسان، آزاد به دنیا آمده است و صاحب اختیار و اراده می‌باشد و باید مجاز باشد تا حد ممکن آزادانه زندگی کند».^۳

۱. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، منبع پیشین، صص ۲۱۸ الی ۲۳۰.
۲. دلماس - مارتی، می ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، منبع پیشین، ص ۱۰۸.
۳. علیزاده، حسن، فرهنگ خاص علوم سیاسی، چاپ اول، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷، ص ۱۶۹.

۲۰۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

بر همین اساس امروزه در ادبیات سیاسی، آزادی خواهی به «مجموعه‌ی روش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی اطلاق می‌گردد که هدفشان فراهم آوردن آزادی هر چه بیشتر برای فرد است».^۱

دولت اقتدارگرا نیز مبتنی بر اندیشه‌ی اقتدارطلبی یا قدرت باوری^۲ است. براساس فلسفه‌ی قدرت باوری که در نقطه‌ی مقابل فلسفه‌ی خودباوری قرار می‌گیرد، آزادی فرد، هم از جهت نظر هم در عمل و هم از جهت ظاهری و هم در باطن در قلمرو قدرت دولت قرار می‌گیرد. هواداران نظریه‌ی مزبور اعتقاد دارند اقتدار فرمانروا به خودی خود توجیه‌کننده‌ی مشروعیت آن است و اطاعت بی‌چون و چرا از او ضروری است. چرا که قدرت وی در قالب مأموریت الهی یا جریان تاریخ به او اعطاء شده است. هواداران جدید چنین رژیم‌هایی با انتقاد از کندی و بی‌کفایتی نظام‌های دموکراسی در اداره‌ی امور خواستار نظام قدرتمندی هستند که بتواند بدون توجه به رضایت حکومت شونندگان، کارها و امور جامعه را به پیش ببرد.^۳

دولت اقتدارگرای فراگیر هم دولتی است که علاوه بر اقتدار طلبی به دنبال فراگیرندگی^۴ است. اصولاً فراگیری خود یک ایدئولوژی ناب و محض به حساب نمی‌آید. بلکه ویژگی ایدئولوژی‌های گوناگونی بویژه کمونیسم، فاشیسم و نازیسم به شمار می‌رود.^۵

به طور کلی فراگیرندگی «به آن دسته از ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های سیاسی، گفته می‌شود که هیچگونه مرزی بین زندگی جمعی و زندگی فردی قائل نبوده و خود را

۱. همان، ص ۱۷۰. به منظور مطالعه‌ی بیشتر، در خصوص مفاهیم آزادی از نگاه فیلسوفان غربی عصر روشنگری ر. ک: روسو، ژان، ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه‌ی غلامحسین زیرک زاده، تهران: شرکت سهامی چاپ، ۱۳۳۵، مقدمه‌ی مترجم.

۲. Authoritarianism.

۳. علیزاده، حسن، فرهنگ خاص علوم سیاسی، منبع پیشین، ص ۴۸.

۴. Totalitarianism

۵. همان، ص ۲۷۷.

مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی با تأکید بر سیاست جنایی ایران..... ۲۰۹

مجاز به دخالت در تمامی شئون زندگی حتی جنبه‌های خصوصی آن می‌دانند»^۱.
نظام‌های فراگیر معمولاً دارای برخی ویژگی‌های کلی هستند که عبارتند از:

۱. پیش از هر چیز واجد یک ایدئولوژی رسمی و انحصاری هستند که چشم‌اندازی از یک جامعه‌ی ایده آل را ترسیم می‌کند. در عین حال اعتقاد به ایدئولوژی مزبور اجباری است و تخطی از آن جرم و شایسته مجازات است.

۲. دولت انحصار و کنترل تمامی رسانه‌ها و وسایل تبلیغاتی و فرهنگی را به منظور ترویج و توسعه ایدئولوژی خود در اختیار دارد.

۳. تنها حزب واحدی دارای مراتب و نظام دیوان سالاری حاکم است و به هیچ حزب دیگری اجازه‌ی وجود و فعالیت داده نمی‌شود.

۴. غیر از حزب حاکم و دولت، تمامی گروه‌های جامعه نابود شده و یا تحت کنترل شدید قرار می‌گیرند.

۵. پلیس تروریستی وجود دارد تا در صورت صلاحدید مقامات مافوق به اعمال خشونت، قتل و کشتار مخالفان پردازد.

۶. تمامی فعالیت‌های اقتصادی تحت کنترل دستگاه‌های دولتی و براساس برنامه-ریزی دولتی صورت می‌گیرد.

۷. همه‌ی نیروهای جامعه در راه هدف‌های حزب و دولت بسیج می‌شود.^۲
در کنار این نوع دولت‌های سه گانه، باید به گرایش سیاسی دیگری هم اشاره کرد که اساساً با دولت مخالف است و از این رو در فارسی به دولت ستیزی یا سروری ستیزی ترجمه شده است که معادل واژه‌ی آنارشیزم^۳ است و به معنای «یک گرایش سیاسی، اجتماعی است که خواستار آزادی فرد از همه‌ی قیود و قیومیت‌ها و حاکمیت‌هاست و خواهان حذف بالقوه و بالفعل حکومت می‌باشد. طرفداران این نظریه

۱. همان.

۲. علیزاده، حسن، فرهنگ خاص علوم سیاسی، منبع پیشین، صص ۲۷۷-۲۷۸.

۳. Anarchism.

۲۱۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

هوادر برافتادن هرگونه دولت و نشستن انجمن‌های آزاد و همیاری داوطلبانه‌ی افراد و گروه‌ها به جای هر شکلی از دولت هستند».^۱

در چارچوب سیاست جنایی، این گرایش سیاسی - اجتماعی در قالب مدل‌های جامعه‌ی سیاست جنایی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

ب. جامعه‌ی مدنی

اگر قصد، ارایه‌ی تعریفی کلی و ساده از جامعه‌ی مدنی باشد؛ می‌توان گفت هر آنچه در محدوده‌ی دولت نباشد می‌تواند جزء جامعه مدنی به حساب آید. برای مثال شامل نظام‌های صنفی، انجمن‌ها، سندیکاها، محیط مدرسه، محیط مذهبی، محیط خانوادگی و ... معمولاً هم در بحث‌های ناظر بر سیاست جنایی همین مفهوم کلی از جامعه‌ی مدنی که دادگاه‌ای دادگستری و مراجع قضایی اداری و پلیس و ... را در بر نمی‌گیرد مدنظر واقع می‌شود.^۲ یعنی افراد یا گروه‌ها و نهادهایی که به هیچ نهاد و سازمان دولتی وابستگی رسمی ندارد. البته در چارچوب وظایف و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، و مایل به مداخله در اموری هستند که کم و بیش دارای صبغه‌ی عمومی است.

با این همه، باید توجه داشت که جامعه‌ی مدنی مفهوم مستقلی است. ابهام در مفهوم جامعه‌ی مدنی از آنجا ناشی می‌شود که «تفکیک دولت و جامعه‌ی مدنی در سنت غربی قویاً جا افتاده است».^۳ ولی در برخی کشورهای دیگر ممکن است تمایز میان دولت و جامعه‌ی مدنی ضعیف شود.^۴

۱. همان، ص ۳۸.

۲. برای مثال نگاه کنید به عباسی، مصطفی، میانجیگری در امور کیفری، انتشارات دانشور، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱، پورقی.

۳. دل‌ماس، مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، منبع پیشین، ص ۸۴.

۴. همان، ص ۲۴۲.

به طور کلی مفهوم جامعه‌ی مدنی ریشه در تاریخ و سنت تفکر سیاسی غرب دارد. از این رو بدون فهم دقیق تاریخ غرب و فراز و فرودهای آن - بویژه از سده‌های میانی به این سو- و آشنایی با ریشه‌ها و علل طرح‌کننده‌ی آن، مفهوم جامعه‌ی مدنی و نیز مفاهیم مرتبط با آن- مثل جامعه، دولت، حدود اختیارات، وظایف و مشروعیت سیاسی دولت، ملت، شهروندی، حقوق و تعهدات شهروندان نسبت به یکدیگر، دولت و جامعه، آزادی، مشارکت، دموکراسی و ... نمی‌توان تصویری شفاف از جامعه‌ی مدنی ارائه نمود.

نویسندگان غربی ریشه‌های آغازین جامعه‌ی مدنی را در دولت - شهرهای یونان می‌دانند و در عین حال معتقدند برای ظهور جامعه‌ی مدنی شرایط خاصی لازم است که عواملی نظیر جنگ‌های صلیبی، کشف قاره‌ی آمریکا، تجارت، استخراج بیکران طلا و نقره، ثروتمندتر شدن کشورهای اروپایی، شکلگیری احزاب، ظهور دولت‌های جدید، رشد کشاورزی، رشد شهرها، عدم مطلقه بودن حکومت، وجود نیروهای مبارز ضد حکومت، و ظهور اومانیسم - انسان‌گرایی - زمینه‌های مساعد شکلگیری جامعه‌ی مدنی را فراهم کردند و در نتیجه موجب تسریع در ظهور آن شدند. در حالی که در شرق موانعی مانند عدم وجود طبقات، ضعف مالکیت خصوصی، محدودیت آزادی، عدم تمایز میان حوزه‌ی عمومی و خصوصی، دیوان سالاری متمرکز و ... تحقق جامعه‌ی مدنی را به تعویق انداخت.^۱

با این همه فارغ از بحث‌های نظری درخصوص مفهوم جامعه‌ی مدنی و تحول تاریخی آن می‌توان دیدگاه عمل‌گرایانه‌تری را اتخاذ و بیان نمود. «جامعه‌ی مدنی، بخش نهادهای داوطلب، بخش سوم و عنوان‌هایی قابل جایگزین هستند که به عنوان نهادهای شهروندی مستقل از دولت به آن‌ها اشاره می‌کنند و جهت نیل به اهداف

۲۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شکل پاسخگو و دارای هویتی دموکراتیک اداره می‌شوند»^۱.

سازمان‌های جامعه‌ی مدنی^۲ - شامل سازمان‌های داوطلب غیر دولتی یا تشکل‌های دولتی و سازمان‌های مردم نهاد - می‌تواند دربرگیرنده‌ی اصناف، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های مردمی و تعداد زیاد دیگری از عناصر غیر دولتی باشد که ممکن است در فعالیت‌های خدماتی، حمایتی و غیره مشغول باشند.^۳ در عین حال از آنجا که در چارچوب خاص سیاست جنایی، جامعه‌ی مدنی جزئی از هیأت اجتماع است که در پاسخ‌های آن به پدیده‌ی مجرمانه - عمدتاً در حوزه‌ی انحراف؛ سهیم می‌شود، نهادهایی همانند محیط مدرسه، محیط مذهبی و ... را هم باید به این مفهوم از جامعه‌ی مدنی افزود.

نتیجه‌گیری:

نقش و جایگاه مردم و جامعه مدنی در دایره علوم جنایی و پاسخ به پدیده مجرمانه، همواره متغیر بوده و در تاریخ عدالت کیفری وضعیت یکسانی را پشت سر نگذاشته است. از دوران ابتدایی مواجهه جوامع با جرم، که با انتقام‌گیری خصوصی و سپس دادگستری خصوصی آغاز گردیده، تا دوران روزگاران نزدیک‌تر که عرصه مداخله انحصاری حاکمیت‌ها و دولت‌ها در عرصه کیفری بوده است، بی شک نقش طرفین و اصحاب درگیر در فرآیند کیفری اعم از بزه‌کاران، بزه‌دیده، نزدیکان آن دو، جامعه محلی، دولت، نهادها و تشکل‌های عمومی و خصوصی با تغییرات شگرفی مواجه شده است؛ با ناکارآمدی روزافزون این نظام عدالت کیفری بزه‌کار مدار و بالا رفتن آمار

۱. نمازی، باقر، بررسی وضعیت تشکل‌های مردمی داوطلب در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه شهلا مختاری، سازمان شهرداری کشور؛ ۱۳۸۱، ص ۵۶.

۲. NGO= Non Governmental Organization.

۳. نمازی، باقر، بررسی وضعیت تشکل‌های مردمی داوطلب در جمهوری اسلامی ایران، منبع پیشین، ص ۵۶.

جرم در قرن بیستم و افزایش رقم سیاه بزهکاری و همچنین سرخوردگی و دلسردی هرچه بیشتر بزه‌دیدگان از نظام عدالت کیفری رسمی، از نیمه‌های قرن بیستم، اندیشمندان علوم جنایی با چرخشی محسوس به سوی بزه‌دیدگان متمایل شدند و پس از کنکاش در نقش بزه‌دیده در تکوین پدیده‌ی مجرمانه، به این نتیجه رسیدند که اصولاً هیچ سیاست جنایی نمی‌تواند و نباید بدون توجه به بزه‌دیدگان طراحی و اجرا گردد. بدین ترتیب اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان که خود ریشه در اندیشه‌های حقوق بشری قرن بیستم دارد، به جنبشی نوین بدل گشت که چه در سطح ملی در بسیاری از کشورها و چه در سطح بین‌المللی در عرصه‌ی سیاست‌گذاری جنایی و قانونگذاری، نشانه‌های بسیاری از آن را می‌توان مشاهده نمود.

اکنون دیگر طرف‌های دادرسی کیفری منحصر به بزهکار، بزه‌دیده و مدعی‌العموم نیست. گروه‌های مختلف مردمی نیز خود را نسبت به جرایم رخ داده در جامعه مسئول دانسته و در موارد بسیاری حتی پیگیرتر از مقامات قضایی و دولتی در مواردی جدی‌تر از متضرر اصلی جرم، درصدد دادخواهی بر می‌آیند. در همین راستا در قانونگذاری‌های جدید ضلع چهارمی بر سه ضلع قبلی دادرسی (متهم، دادستان، شاکی) افزوده گردیده است و در مواردی به جامعه محلی مدنی اجازه داده شده است به صورت جدی وارد فرآیندهای قضایی گشته و به نقش آفرینی پردازند.

می‌توان گفت هدف مهم سیاست جنایی با مداخله جامعه مدنی یعنی تأمین امنیت می‌تواند با همجواری زمانی و مکانی دست‌اندرکاران دولتی و جامعه‌ی یعنی از رهگذر پیشگیری و سرکوب کیفری بزهکاری و نیز بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

نقش حمایتی برای سازمان‌های مردم‌نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای سیاست جنایی مشارکتی پیش‌بینی شده است؛ سیاست و نگرشی که بر مشارکت و حضور جامعه‌ی مدنی در عرصه‌های مختلف فرآیند کیفری بنا شده است. بر مبنای همین سیاست، سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان جلوه‌ی بارز جامعه‌ی

۲۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

مدنی، نقش جدیدی برای مشارکت خود در قلمرو دادرسی کیفری یافته‌اند. با مطالعه‌ی ماده ۶۶ قانون فوق‌الذکر معلوم می‌گردد که موضوع فعالیت سازمان‌های مذکور در این ماده، بزه‌دیده می‌باشد و این سازمان‌ها می‌بایست در موضع حمایت از آنان برآیند.

فهرست منابع:

۱. ایروانیان، امیر؛ سیاست جنایی پیشینه تاریخی، ساختار، و ویژگی‌ها، تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقالات، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
۲. بیگ زاده، ابراهیم؛ جامعه مدنی و دیوان بین‌المللی کیفری، دایره المعارف علوم جنایی، جلد دوم، انتشارات میزان، ۱۳۹۵.
۳. بوئر، آلن و روفر، اگزویه، خشونت و ناامنی شهری، ترجمه‌ی محمدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴. حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی اسلام و ایران»، رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۵. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
۶. جمشیدی، علیرضا؛ سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
۷. خاتون آبادی، سید احمد، رادیو ارتباط توسعه‌ای، تهران: سروش، ۱۳۷۴.
۸. شیعه علی، علی؛ زارع، وحید؛ زارع، مجتبی؛ جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دوره دوم، شماره ۴ و ۵، ۱۳۹۴.
۹. رئیس دانا، فریبرز، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰.
۱۰. زینالی، حمزه، نوآوری‌های قانونی در حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷، سال ۱۳۸۲.

- ۲۱۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵
۱۱. زینالی، حمزه، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و تقابل دیدگاه‌ها در آن، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۹، سال ۱۳۸۲.
۱۲. دلماس، مارتی، می ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
۱۳. دلماس، مارتی، می ری، از حقوق جزا تا سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله‌نامه مفید، شماره ۱۱، ۱۳۷۶.
۱۴. لازرژ، کریستین؛ درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
۱۵. عباسی، مصطفی، میانجیگری در امور کیفری، انتشارات دانشور، ۱۳۸۲.
۱۶. علیزاده، حسن، فرهنگ خاص علوم سیاسی، چاپ اول، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷.
۱۷. فرجاد، محمد حسین، روانشناسی و جامعه‌شناسی جنایی، انتشارات همراه، ۱۳۷۱.
۱۸. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ یازدهم، انتشارات میزان، ۱۳۸۱.
۱۹. قبادی، علیرضا؛ ضرورت مشارکت مردم در عرصه‌های فرهنگی، از مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی، جلد اول، تهران، نشر آن، ۱۳۸۱.
۲۰. کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، چاپ دهم، نشر نی، ۱۳۸۲.
۲۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، چاپ دهم، نشر نی، ۱۳۸۲.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، علوم جنایی، مجموعه مقالات، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.

مشارکت جامعه مدنی در سیاست جنایی با تأکید بر سیاست جنایی ایران.....۲۱۷

۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مشارکت مردم در سیاست جنایی و نقش رسانه‌ها در افزایش این مشارکت، گزارش اجمالی نخستین کارگاه آموزشی بزهکاری و رسانه‌های گروهی، کمیته‌ی سیاست جنایی مشارکتی، کمیسیون تدوین سیاست جنایی و اصلاح قوانین کیفری، شورای عالی توسعه قضایی، ۱۳۸۲.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، ۱۰، ۱۳۸۲.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۷.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاران و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵-۲۶، ۱۳۷۹.
۲۸. نمازی، باقر، بررسی وضعیت تشکل‌های مردمی داوطلب در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه شهلا مختاری، سازمان شهرداری کشور؛ ۱۳۸۱.